خبر

تاکید وزیر بر خرید آثار جشنواره تجسمی توسط دولت



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با تاکید براین‌که جشنواره‌ها متعلق به عده‌ای خاص نیست و فلسفه وجودی این‌گونه رویدادهای هنری مشارکت اقشار مختلف هنرمندان است، از رشد کمی و کیفی آثار در این دوره جشنواره هنرهای تجسمی خبر داد که آثار برجسته‌ای از بزرگان و جوانان را در آن شاهد هستیم.

محمدمهدی اسماعیلی بعدازظهر یکشنبه در حاشیه بازدید از چهاردهمین جشنواره هنرهای تجسمی با تشریح روند بازدید از این رویداد بزرگ هنری، تاکید کرد: خوشبختانه در نوع، حجم و تعداد آثار ارائه شده در این دوره جشنواره شاهد رشد کمی و کیفی آثار هستیم که مورد استقبال چشمگیر مخاطبان قرار گرفته‌است.

وی در ادامه با اشاره به این‌که یکی از برنامه‌های مهم ما در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از ابتدای آغاز به کار دولت سیزدهم، توجه ویژه به هنرهای تجسمی بود، گفت: در این زمینه نشست جمعی و فردی با بزرگان و پیشکسوتان حوزه هنرهای تجسمی در تهران و شهرستان‌ها برگزار کردیم. در این دیدارها که آخرین بار با اعضای دبیرخانه و ستاد برگزاری چهاردهمین دوره جشنواره هنرهای تجسمی فجر انجام شد، تلاش کردم ضمن گفت‌وگو با آنها از نزدیک در جریان امور، همچنین مسائل و مشکلات و درخواست این عزیزان قرار بگیرم.

رئیس شورای هنر با بیان این‌که با توجه به تاکیدات قبلی قرار براین بود که امسال در آثار و کارهای ارائه شده از لحاظ کمی و کیفی شاهد رشد و ارتقا باشیم تا در عین حال کارها متضمن گزاره‌های اصلی و احساس در هنر متعهد در این بخش مشاهده شود، تصریح کرد: خوشبختانه در این دوره جشنواره هنرهای تجسمی در آثار ارائه شده مقوله‌هایی مانند امید، ایثار، توجه به مسائل عمومی و اجتماعی کشور در این فرصت هنرمندان کارهای خوب که دارای ارزش هنری بالا است ارائه کرده‌اند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه سخنان خود « حمایت از اقتصاد هنر» را از مهم‌ترین اهداف وزارت فرهنگ در این دوره جشنواره هنرهای تجسمی عنوان کرد و گفت: تلاش ما این است تا در مجموع دستگاه‌ها، معاونت‌ها و بخش‌های مختلف زنجیره‌ای از حوزه تولید تا عرضه را تشکیل دهیم به این منظور در عرصه داخلی و خارج کشور با جدیت از توسعه اقتصاد هنر پشتیبانی و حمایت خواهیم کرد.

به گفته اسماعیلی، معرفی هرچه بیشتر هنر هنرمندان ایرانی به دیگران به گونه‌ای که درکنار زحمات و اجر معنوی که از فعالیت‌ها حاصل می‌شود؛ فضای اقتصادی و معیشتی هم برای آنها فراهم شود تا گشایش بهتر و بیشتری را در زندگی هنرمندان شاهد باشیم.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در بخش دیگری از سخنان خود در پاسخ به سوالی مبنی بر فروش آثار همزمان با برگزاری جشنواره هنرهای تجسمی، گفت: اینجا محل برگزاری جشنواره است و فروش آثار نداریم اما پس از جشنواره علاقه‌مندان و مخاطبان می‌توانند آثار مدنظر خود را با هماهنگی با هنرمندان خریداری کنند.

اسماعیلی در ادامه درباره معرفی آثار هنرهای تجسمی هنرمندان ایرانی به خارج از کشور هم، گفت: در حال حاضر ۸۰ رایزنی فرهنگی در خارج کشور داریم که ظرفیت بزرگی است که در دوره جدید سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به عنوان تکلیف اصلی از آنها خواسته‌ام به این حوزه نه به صورت جانبی، نمایشی و تزئینی بلکه معرفی آثار هنرمندان ایرانی به جهانیان را در برنامه‌های اصلی و کار مهم و هدف اصلی خودشان قرار دهند.

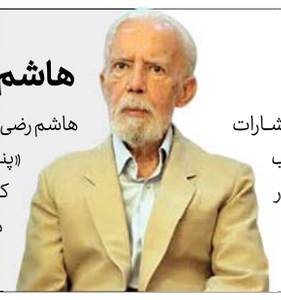
عضو کابینه دولت سیزدهم در عین حال تاکید کرد: موضوع خرید آثار هنری توسط مجموعه دستگاه‌های اداری، دولتی و حاکمیتی را نیز در سطح دولت پیگیری خواهم کرد.

«خدای دست و دلباز» خواندنی شد



کتاب «خدای دست و دلباز» سروده زهرا داوری با تصویرگری تهمینه خواجوی به‌تازگی از سوی انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده است. روابط‌عمومی کانون خبر داد این کتاب شامل ۲۰ قطعه شعر است و در ۴۸ صفحه در فروشگاه‌های کانون یا فروشگاه اینترنتی shop.kpf.ir در دسترس خانواده‌ها قرار گرفته است.

هاشم رضی درگذشت



هاشم رضی نویسنده، پژوهشگر و مترجم حوزه تاریخ، صبح دیروز در ۸۷ سالگی از دنیا رفت. ایسنا به نقل از بخارا نوشت: «پنج آیین بزرگ جهان» از اولین ترجمه‌های او بود و بعد از آن «وندیداد» را از زبان اوستایی و سانسکریت ترجمه کرد. حکمت خسروانی، اوستا، آیین مهر، آیین زروانی، دین و فرهنگ ایرانی در عهد اوستایی، ازدواج مقدس، معاد و آخرت‌شناسی در ایران باستان و آموزش خط میخی از جمله آثار به‌جامانده از او هستند.



شباهت‌ها و تفاوت‌ها

در آثار زندگینامه‌ای و مبتنی بر واقعیت به‌ویژه درباره شخصیت‌هایی که عکس، فیلم و صدایی از آنها موجود است، سازندگان همیشه با چالش‌های پایبندی به واقعیت روبه‌رو هستند. این توقع اول از همه از سمت خانواده و دوستان و نزدیکان آن شخصیت مطرح است و بعد هم دوستداران و مخاطبان دیگر و همگی انتظار دارند که به‌جز شباهت چهره و فیزیک، بسیاری از واقعیات و جزئیات زندگی شخصیت مورد نظر را در فیلم و اثر نمایشی ببینند. این نگاه البته خطا و زیاده‌خواهی نباشد، انتظار بجایی است اما معمولا چندان با ملزومات یک خوانش سینمایی و تلویزیونی همخوانی ندارد و چه بسا دست و پای سازندگان را برای خلق یک اثر دراماتیک مستقل اما پایبند به روح و حقیقت شخصیت و واقعیات زندگی او ببندد.

در این میان شباهت چهره و فیزیک چون در ویترین ماجرا قرار دارد، بیشتر به چشم می‌آید اما همه‌چیز به شیوه کار سازنده اثر و استدلال و جهان او برمی‌گردد. شاید ایده‌آل‌ترین شکل ماجرا، شباهت فراوان چهره بازیگر با شخصیت واقعی و قصه‌هایی مبتنی بر واقعیت باشد، البته با رعایت اصول و قواعد دراماتیک. اما گاهی شرایط و امکانات برای اجرای کامل و همه‌جانبه این مسیر وجود ندارد یا بازیگری شبیه شخصیت واقعی یافت نشود یا حتی در چهره‌پردازی نتوان این شباهت را به شکل کامل و صددرصدی اجرا کرد یا گاهی اصلا ترجیح کارگردان به شباهت چهره نیست و تنها شباهت روح چهره و حقیقت شخصیت برای این بازنمایی دراماتیک کافی باشد. شاید یکی از مهم‌ترین مثال‌ها در این زمینه شخصیت دکتر محمد قریب در سریال روزگار قریب ساخته کیانوش عیاری باشد که چهره مهدی هاشمی، شباهتی به چهره واقعی دکتر قریب نداشت اما به‌قدری با شخصیت درست و دلنشینی در قصه روبه‌رو بودیم که بازتابی از حقیقت و ویژگی‌های دکتر قریب واقعی بود. ولی از سوی دیگر آثاری دیده‌ایم که با وجود شباهت چه بسا فراوان بازیگر به چهره شخصیت واقعی، آن اتفاقی که باید در قصه رخ نداد و آن میزان از وسواس شباهت چهره در سطح و در ویترین باقی ماند و به ارتباط با مخاطب و تاثیرگذاری نرسید.

راستش وقتی خبر رسید که قرار است خود هادی حجازی‌فر، نقش شهید مهدی باکری را در موقعیت مهدی بازی کند، چندان به خروجی این تصمیم خوشبین نبودیم. شاید تنها نکته‌های مثبت که امیدواری‌های اندکی را در این زمینه به‌وجود می‌آورد، هم‌زبانی بازیگر و شخصیت واقعی و توان بازیگری حجازی‌فر و تجربه‌های موفقش در سینمای جنگ بود اما به لحاظ چهره و فیزیک، شباهتی میان او و شهید مهدی باکری وجود نداشت. حتی رونمایی از گریم او هم بدبینی مخاطبان را بیشتر کرد. وقتی فیلم را دیدیم، خیال‌مان از این بابت راحت نشد و چندان نمی‌شد شخصیت واقعی و بازیگر را شبیه یافت، به‌ویژه این‌که شهید باکری آن‌طور که در عکس‌های موجود دیده‌ایم، قد کوتاه‌تری نسبت به بازیگر دارد و ریزجثه‌تر است و اتفاقا فرماندهی و مدیریت او با چنین مختصاتی در لشکر ۳۱ عاشورا خیلی بیشتر به چشم می‌آید. بهتر این بود که اگر بحث شباهت و پایبندی بیشتر به واقعیات مدنظر کارگردان بود، خودش این نقش را بازی نمی‌کرد و بازیگری شبیه‌تر و با قد و قامت شهید باکری را انتخاب می‌کرد اما حجازی‌فر به‌قدری حضور خوب و موثر و همدلی‌برانگیزی دارد که تا حدود زیادی راه را بر این انتقاد و شبیه نبودن چهره و فیزیک می‌بندد؛ هر چند در بعضی جاها به‌ویژه در بخش‌های پایانی نبرد در میدان جنگ، قد و قامت بلند حجازی‌فر و عقبه بازی‌اش در ایستاده در غبار، ناخودآگاه خودش را به فیلم تحمیل می‌کند و بیشتر از این‌که مهدی باکری ببینیم، انگار حضور حاج‌احمد متوسلیان را شاهد هستیم. اما در عوض وحید حجازی‌فر، برادر هادی حجازی‌فر که نقش شهید حمید باکری را بازی می‌کند به شخصیت واقعی شبیه‌تر است، به‌ویژه با آن پلیور آبی که بسیار ما را به یاد عکس شهید حمید باکری با لباس مشابه می‌اندازد. به‌جز این بازی دو برادر هنرمند در نقش دو برادر شهید هم تمهید مناسبی است و شباهت‌هایی که بین خود هادی و وحید حجازی‌فر وجود دارد، نسبت برادری قصه را تقویت و تماشاگر را برای یک اخوت سینمایی مجاب می‌کند.

همان همیشگی

گرچه موقعیت مهدی، فیلمی پر از لحظات، صحنه‌ها و دیالوگ‌های خوب است و تماشاگر را تا پایان با خود همراه می‌کند اما در داستان‌پردازی قصه، آورده چندان تازه‌ای درباره شهیدان باکری وجود ندارد. البته که فیلم با وفاداری به واقعیت، از خیال‌پردازی‌های مبتنی بر حقیقت و مستندات زندگی این شهیدان غافل نیست و به‌درستی عمل می‌کند و افزودنی‌های مجاز برای جذابیت اثر را به‌درستی به‌کار می‌گیرد اما شاید انتظار می‌رفت در طوی این روایت به نکته‌های ناگفته و ناشنیده و ناخوانده‌ای درباره باکری‌ها برسیم، چیزی که در کتاب‌ها و نوشته‌های دیگر و فضای اینترنت نخوانده و ندیده باشیم. مثلا در ایستاده در غبار، فیلم تنها به اطلاعات قبلی از احمد متوسلیان اکتفا نمی‌کند و ما با چهره جسور و تازه‌ای از یک فرمانده جنگی روبه‌رو می‌شویم که در سینمای دفاع مقدس ما نظیر ندارد. در موقعیت مهدی هم انتظار داشتیم، فرمانده‌ای متفاوت (با تکیه بر مستندات و ویژگی‌های واقعی) ببینیم و به‌گونه‌ای دیگر غافلگیر شویم. البته به‌قدری روایت موقعیت مهدی صادقانه است و روند و چینش درستی دارد که با قهرمان همدل و همراه می‌شویم و او را دوست داریم اما این هم مسیر بودن با اطلاعات و دستاورد تازه و شگفتی همراه نیست.

> به‌قدری روایت موقعیت مهدی صادقانه است و روند و چینش درستی دارد که با قهرمان همدل و همراه می‌شویم و او را دوست داریم اما این هم مسیر بودن با اطلاعات و دستاورد تازه و شگفتی همراه نیست



علی رستگار

سینما

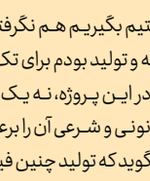
بالاخره مزد تحمل و صبوری خودمان را در روز هفتم خانه
یک‌سروگردن از دیگر فیلم‌ها یا بیشتر آثار این دوره بالاتر قرار دا
با جوان ساده‌دل قصه همراه شد و در دومین فیلم به نمایش
قهرمانی به نام مهدی باکری اتفاق افتاد. البته با وجود این‌که نقد
شب و موقعیت مهدی، فیلم‌هایی مهم و قابل اعتنا و تامل برا
مخاطب را درگیر می‌کنند، به‌ویژه فیلم موقعیت مهدی که به‌عن
خوش‌ساخت و ارزشمند و تاثیرگذار در سینمای جنگ و دفاع
(عاشورا) است و خلاصه‌ای از قسمت‌های آن سریال تلویزیونی ن
سریال موقعیت مهدی کنجکاو ترشده‌اند و این کیفیت و استاندارد و جذابیت، توقع آنه

ایستاده در روشنایی

هادی حجازی‌فر از همان اوایل حضور جدی و موفق در سینما و در بازیگری، دغدغه کارگردانی داشت. او پیشتر در تئاتر هم کارگردانی می‌کرد و مخاطبان تئاتری حتما نمایش زنده - عروسکی موفق او «ملاقات بانوی سالخورده» را به یاد دارند. حجازی‌فر سال‌ها قبل با نقش کوتاهی در فیلم جنگی مزرعه پدری وارد سینما شده بود اما بیشتر از ۱۰ سال طول کشید تا فرصت درخشش در بازیگری پیدا کند. بازی در نقش حاج‌احمد متوسلیان در ایستاده در غبار، باعث شهرت و محبوبیت این بازیگر شد و بعد از آن این کاراکتر کاریزماتیک و قدرتمند با چاشنی خشم و عصیان را در قالب نقش‌های دیگری در فیلم‌های بعدی محمدحسین مهدویان هم ادامه داد. حجازی‌فر اما از جایی به بعد ترجیح داد در این شمایل کلیشه و تکراری نشود، برای همین نقش‌های مختلف حتی کمدی را هم امتحان کرد. با این حال به‌نظر می‌رسد موفقیت او در بازیگری محدود و منحصر به همان پرسونا و شمایلی است که در سینمای مهدویان تجربه کرد. برای همین نمی‌توان کارگردانی و بازی در موقعیت مهدی را بدون حضور و تاثیر مهدویان بر حجازی‌فر متصور بود؛ یعنی به‌جز علقه‌های خود حجازی‌فر به موضوع، دوستی و همکاری با مهدویان هم نقش مهمی در ساخت موقعیت مهدی دارد. برای همین وقتی اسم محمدحسین مهدویان را به‌عنوان مشاور کارگردان در تیتراژ دیدیم، متعجب نشدیم. به‌جز این باید به حضور موثر حبیبا... والی‌نژاد (تهیه‌کننده موقعیت مهدی) هم اشاره کرد که پیشتر تهیه‌کننده فیلم ایستاده در غبار و مجموعه تلویزیونی آخرین روزهای زمستان (به کارگردانی مهدویان و درباره شهید حسن باقری) هم بود.

حتی دو سه مورد مستندنمایی تصاویر در موقعیت مهدی هم بیشتر مهر و امضای مهدویان در آثار اولیه‌اش در زمینه سینمای جنگ بود اما حجازی‌فر ضمن بهره‌گیری از حضور و تجارب موفق مهدویان، راه مستقل خود را در ساخت یک فیلم سینمایی سراسر داستانی می‌رود و با دوری از برخی تمهیدات آشنای سینمای مهدویان مثل دوربین روی دست یا کیفیت مستندگونه تصاویر یا استفاده از صداهای واقعی، یک اثر سینمایی و جنگی جذاب و قابل اعتنا می‌سازد.

آنچه اهمیت اشاره دارد، حضور نسل جدید فیلمسازان است که با کنار زدن کلیشه‌ها، دنبال راه‌های جدیدی برای روایت هستند. مهدویان نقش مهمی در این زمینه داشت و فضای تازه‌ای در سینمای جنگ و دفاع مقدس ایجاد کرد و حالا حجازی‌فر هم با استفاده درست از آن تجربیات و همکاری‌های خوب، نخستین گام کارگردانی‌اش در سینما را به شکل قابل قبولی برداشت.



افشین علیار

منتقد سینما

متکی

قه
پرود
که س
تصو
ممک
جنگ
کرده
و حا
گرفت

درستی بود از وقایع جنگ اما د
اتکا به تاثیرگذاری در نگاه مح

هادی حجازی‌فر در نشست رسانه‌ای فیلمش:

«موقعیت مهدی» را با اعتقاد کامل ساختم



عکس: مجید آزاد

نشست رسانه‌ای فیلم «موقعیت مهدی» تحت‌تأثیر فضای حسی فیلم برگزار شد. خبرنگاران که بلافاصله بعد از دیدن اثر به سالن اصلی برج میلاد آمده بودند بیشتر از پرسش‌های فنی، سؤالاتی احساساتی از هادی حجازی‌فر می‌پرسیدند. مثلا یکی از آنها خطاب به کارگردان گفت: اگر شهید آوینی بود از این فیلم تمجید می‌کرد. از طرف مقابل هم یکی از خبرنگاران از کارگردان پرسیده بود، فکر می‌کنید شهیدان باکری راضی هستند که در این شرایط وخیم اقتصادی، پول بیت‌المال را خرج ساختن فیلمی درباره آنها کنید؟ حجازی‌فر به این پرسش چنین پاسخ داد: اولا که امکانی برای ارتباط با شهدا و کسب رضایت آنها نداریم به‌خصوص درباره شهیدان باکری که حتی مزاری هم ندارند که سر مزارشان برویم و اجازه بگیریم اما وقتی فیلم‌های دیگر ساخته می‌شود چرا درباره شهدا فیلم ساخته نشود به‌خصوص که این فیلم‌ها می‌تواند تلنگری به مسؤولان باشد که قرار ما چه بود و چه شد.

به گزارش جام جم وی در عین حال با بیان این‌که معتقدم باید درباره هزینه‌ها شفاف‌سازی شود، گفت: ما ۴۰۰ دقیقه مفید فیلم برای سریال و نسخه سینمایی گرفتیم، قرارداد ما با صداوسیما ۳۰ میلیارد بود که ۱۰ میلیارد از آن هزینه کرایه امکانات، سرباز و مانند آن بود. ضمن این‌که ما در این فیلم کل جزایر مجنون را بازسازی کردیم. به همه شما قول می‌دهم یک دهم دستمزد معمولی که در یک کار ساده می‌توانستیم بگیریم هم نگرفتیم.

حجازی‌فر تأکید کرد: از اول در جریان همه فرآیند تهیه و تولید بودم برای تک‌تک فشنگ‌ها دویدم و التماس کردم. قول می‌دهم در این پروژه، نه یک ریال اسراف شده و نه غیب‌شده و همه مسؤولیت قانونی و شرعی آن را برعهده می‌گیرم. کسی که کارشناس است حتما می‌تواند بگوید که تولید چنین فیلمی زیر ۶۰ میلیارد تومان ممکن نبود. کارگردان موقعیت مهدی با بیان این‌که خیلی‌ها به ما می‌گفتند بروید و در شهرک سینمایی فیلم را بسازید، گفت: ما جزیره مجنون را بازسازی کردیم و حتی از همان خاکی که در آنجا هست، استفاده کردیم، حتی پلمب برخی انبارهای متروکه ارتش و سپاه را باز کردیم تا از همان لباس‌هایی که از آن زمان بود، استفاده کنیم. خیلی از لباس‌ها هنوز به آثار شیمیایی و خون آغشته بودند و وقتی آنها را شستیم، از بین رفتند. وی موقعیت مهدی را حاصل پژوهشی سنگین و طولانی دانست و گفت: البته در این مورد صرفه‌جویی هم کردیم و همه مصاحبه‌هایی را که از سال ۱۳۶۲-۱۳۶۱ تا امروز شده بود، جمع‌آوری و از آنها استفاده کردیم. بعضی‌ها می‌گفتند می‌خواهند برای شهید باکری فیلم بسازند اما یک دقیقه با ما صحبت نکرده‌اند اما ما به آنها گفتیم شما دهه ۶۰، ۳/۵ ساعت مصاحبه کرده‌اید و ما از همان مصاحبه استفاده کرده‌ایم.

محسن رضایی گریه کرد

خبرنگار دیگری از حجازی‌فر پرسید: آیا حضور شما در عرصه سینما با فیلم‌های «به اصطلاح ارزشی» ادامه خواهد داشت یا در دیگر ژانرهای سینمایی نیز تجربه خواهید کرد؟ او پاسخ داد: من یک‌سری رؤیاها، توانایی‌ها و ضعف‌ها در دنیای کارگردانی دارم و برای فیلم‌ها خیلی تقسیم‌بندی قائل نیستم. فیلم، فیلم است. به نظر من همه فیلم‌ها ارزشی هستند و این فیلم را با قلبم ساختم. فیلمنامه‌ای داشتم و مشغول فراهم‌کردن مقدماتش بودیم که کرونا آمد و همه‌چیز را به هم ریخت. بعد هم که این پروژه پیشنهاد شد. وی گفت: من این فیلم را با اعتقاد کامل و با قلبم ساختم و به آن افتخار می‌کنم. حقیقت این است که زندگی برای ما تصمیم می‌گیرد و گاهی اوقات ما تصمیم‌گیرنده نیستیم. سوال دیگری که در این نشست مطرح شد، درباره موضع محسن رضایی، فرمانده وقت سپاه پس از دیدن فیلم بود. در یکی از صحنه‌های فیلم، محسن رضایی در بازسازی جلسه فرماندهان سپاه به تصویر کشیده شده است. حجازی‌فر گفت: آقای محسن رضایی دو یا سه روز پیش فیلم را دید و اشک ریخت ولی چیزی درباره آن نگفت؛ البته من به تمام اتفاقات وفادار بوده و چیزی را جعل نکرده‌ام. وی درباره روند ساخت فیلم و دلیل بازی و کارگردانی همزمان آن گفت: ما نزدیک به بیش از دو سال درگیر این کار بودیم از مرحله پژوهش و نگارش تا همین امروز که در خدمت شما هستیم. کار به دلایلی دوازده‌بار متوقف شد؛ البته این کار ابتدا برای بازیگری به من پیشنهاد شد. با توجه به شناختی که درباره لشکر عاشورا داشتم گفتم من این کار را برای کسی بازی نمی‌کنم و باید خودم آن را بسازم. در ادامه من یک بازیگر دیگر را پیشنهاد دادم ولی بقیه قبول نکردند. وی افزود: البته از اول مبنا بر یک نسخه سینمایی بود و بنا نداشتیم چکیده سریال را به فیلم سینمایی تبدیل کنیم. خیلی از سکانس‌هایی که می‌بینید به‌خاطر نوع روایت و آدم‌هایی که قصه با آنها پیش می‌رفت، مختص نسخه سینمایی است. از اول هم طراحی ما همین بود که در این فیلم تاکید بر مهدی و حمید و اطرافیانشان باشد.

تصویری از ۲ عملیات

حجازی‌فر در بخش دیگری از اظهاراتش گفت: از اول که کار را شروع کردیم به همه عوامل تاکید کردم می‌خواهیم یک سند تصویری از این دو عملیات برجا بگذاریم. حتی به یک‌سری فیلم‌ها دست پیدا کردیم که یک شبکه آمریکایی همزمان با عملیات خیبر از شهدای ما و تجهیزاتی که مانده بود فیلمبرداری کرده بود؛ البته چون امکان خرید آن نبود، این فیلم را ضبط کردیم و از داده‌های آن در طراحی استفاده کردیم. وی درباره این‌که چرا نمایی از پیروزی از عملیات نیست، گفت: جنگ ما یک وقت‌هایی شکست و یک وقت‌هایی پیروزی داشت، به نظرم حماسه زمانی معنا پیدا می‌کند که روی دیگر سکه را هم ببینیم این‌که تحت شدیدترین فشارها مقاومت کردند روح حماسه وجود دارد پس ما از تصاویر آشنا پرهیز کردیم. آن پلانی که مهدی آرپی‌جی می‌زند

را خودم دوست ندا
سریال داریم. حجازی
احساس کردیم باید
می‌خواستیم اضافه
درباره دلیل استفاده
لشکر آذری‌زبانان بو
هم فارسی حرف بزنن
بتوانیم با طیف گست
وفادار بودیم به زبان

حمایت دکتر

حبیب والی‌زاده، تهی
موقعیت مهدی توض
گذاشت نهادها و بنی
را داشتند ولی بنیاد
گفت: آقاهادی مثل
در ساخت زحمت کش
والی‌نژاد گفت: از تم
ارتش و سپاه تشک
صداوسیما هم ممنو
بازبینی کردند. این مو
روحا... زمانی که با فیل
تجربه می‌کرد نیز در
دعاهای مادرم نبود
می‌کنم. ژانر موقعیت
فیلم‌های تکرارنشدنی
حجازی‌فر هم در ای
گفت: صحنه‌ای بود ک
میکروفن هاش‌اف د
را می‌شنوم. او با خ
می‌گویی به محلمان